بازتاب تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام در منابع اهل سنّت

حسین صفره*

چکیده: در منابع اهل سنّت، با احادیث تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام سه گونه برخورد شده است: ۱. نقل بی‌طرفانهٔ احادیث تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام. در این دسته، پاره‌ای از احادیث تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، در منابع سنّی نقل شده که بی‌تردید پاره‌ای از این روایات صحیح است. ۲. تحریف، تأویل و تضعیف حدیث اهل بیت علیهم‌السلام. برخی از عالمان سنّی، در امتداد سیاست خلفا در منع نشر تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام و اعراض از ایشان، احادیث امامان اهل بیت علیهم‌السلام را کمتر روایت کرده‌اند و اگر گاه روایات صحیحی را از اهل بیت علیهم‌السلام در کتب خود آورده‌اند، آنها را تحریف و تأویل کرده‌اند و در تضعیف یا ردّ آنها کوشیده‌اند. ۳. جعل حدیث در برابر احادیث ولایی. بعضی از این روایات تفسیریِ منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام، برای مقابله با احادیثی ساخته شده که تفسیر صحیح آیات مربوط به ولایت و عصمت و امامت اهل بیت علیهم‌السلام است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر / اهل بیت / اهل سنّت / تحریف / جعل.

---

*. دکترای علوم قرآن و حدیث، مدرّس رسمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
Email: hsafareh@hotmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

طرح مسئله

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در اواخر حیات نورانی خود، دو حقیقت جدایی‌ناپذیر قرآن و اهل بیت علیهم السلام را به جانشینی خویش در میان مردم معرّفی کرد و هدایت را تنها در گرو تمسّک به این دو دانست و اهل بیت علیهم السلام را ضامن تداوم رسالت خاتم و حفظ آن از تحریف و برطرف کنندهٔ اختلاف میان امّت معرّفی کرد. آیات قرآن و روایات مورد اتّفاق شیعه و اهل سنّت نیز بر اعلمیّت ائمّهٔ اهل بیت علیهم السلام نسبت به دیگران گواهی می‌دهد و دانشمندان سنّی نیز همه به مقام شامخ علمی امامان اهل بیت علیهم السلام معترف‌اند. حال مسئلهٔ مطرح در این مقاله این است که ظرفیت عظیم علمی ـ تفسیری اهل بیت علیهم السلام در منابع حدیثی ـ تفسیری اهل سنّت که در فضای عمومی جامعهٔ اسلامی در قرون مختلف ـ که به طور عمده تحت حاکمّیت اهل سنّت بوده ـ چه بازتابی یافته است؟ این مقاله در یک دسته‌بندی کلّی که با ذکر نمونه‌های متعدّد همراه است، به این سؤال پاسخ می‌دهد.

دربارهٔ تفسیر و معنی آن بحثهای فراوانی صورت گرفته است، ولی با توجّه به عدم اتّفاق نظر در معنا و تعریف آن، ضروری است که در اینجا برای خواننده روشن شود که تفسیر در عنوان این مقاله چه گسترهٔ معنایی‌ای دارد.

تفسیر در لغت

برخی لغت‌شناسان لفظ «تفسیر» را باب تفعیل از ریشهٔ «فسر» به معنی ابانه (روشن ساختن) و کشف مراد از لفظ مشکل دانسته‌اند. (ازهری، ج ۱۲، ص ۲۳۸، زبیدی، ج ۲۸، ص ۳۳) و نیز گفته‌اند: «فسر یعنی تفسیر و عبارت از بیان و تفصیل کتاب است.» (ازهری، ج ۱۲، ص ۲۸۳) عدّه‌ای آن را مقلوب از «سَفَرَ» و به همان معنی «کشف» شمرده‌اند. وگفته‌اند به جهت تکثیر به باب تفعیل رفته است.(زرکشی، ج ۲، ص ۱۴۷)

راغب اصفهانی بر این نظر است که فسر برای اظهار معنی معقول به کار می‌رود. و تفسیر گاه در مواردی که اختصاص به مفردات الفاظ دارد به کار می‌رود، وگاه در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

مـورد آنـچه بـه تأویـل مـربوط است. از ایـن رو گـفته مـی‌شود: «**تـفسیرُ الرّؤیـا وتأویلُها**».(راغب، ص ۳۸۰) تفسیر رؤیا و تأویل آن ابن.

فارس گوید: «فسر: یک کلمه است که بر بیان یک چیز و توضیح آن دلالت دارد.» (ابن فارس، ج ۴، ص ۴۰۲) فسر به معنی بیان و تـفسیر مـانند آن است و اسـتفسار: در خواست تفسیر کردن.(جوهری، ج ۲، ص ۷۸۱) و برخی گفته‌اند: تفسیر کشف مـراد از لفظ مشکل است.(ازهری، ج ۱۲، ص ۴۰۶)

برخی از لغت‌شناسان ریشهٔ اصلی این واژه را «شرح همراه با توضیح» و تعریف اصطلاحی تفسیر را برگرفته از این معنا دانسته‌اند.(مصطفوی، ج ۹، ص ۸۷) و معتقدند ترجمهٔ این واژه به بیان و کشف یا تأویل، تعریفی تقریبی است و اصل در آن همان شرح همراه با توضیح است. (همانجا)

تفسیر در اصطلاح

تعریف تفسیر در اصطلاح در میان مفسّران و دانشمندان عـلوم قـرآنـی مـورد اختلاف است. (نک: سیوطی، اتقان، ج ۴، ص ۱۹۲) علامه طباطبایی «محصَّل مدلول آیه» را تفسیر می‌داند، از این رو بحثهایی را که در محصَّل معنی آیه تأثیر ندارد، مانند بحث لغوی، قرائی و بدیعی را تفسیر قرآن نمی‌داند.(طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۶۲)

از نظر زرکشی، تفسیر علمی است که بدان، فهم کتاب خدا که بر پیامبرﷺ نازل کرده‌است، و بیان معانی و استخراج احکام و حکمتهای آن دانسته می‌شود.(زرکشی، ج ۱، ص ۷) برخی نیزگفته‌اند: «تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبـیّات عـرب و اصـول عـقلایی محاوره». (بابایی، روش‌شناسی تفسیر،ص ۲۳)

گسترهٔ معنایی تفسیر

گستره و شمول معنای تفسیر در عنوان این مقاله، بر اساس کاربرد معنای تفسیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام که مراد نگارنده نیز است، به گونه‌ای است که همهٔ فعّالیّتهای اهل بیت علیهم‌السلام در راستای تبیین آیات قرآن‌کریم، اعم از آیات اعتقادی، اخلاقی، احکام و ... را در بر می‌گیرد.

روایات فقهی اهل بیت علیهم‌السلام و همهٔ دستورهای شرعی در تمام ابواب فقه، بلکه تمام احادیث نبوی، شرح و بسط آیات کوتاه و فشردهٔ قرآن‌کریم مانند (البقرة (۲) / ۴۳) و (آل‌عمران (۳) / ۱۹۷) و (النساء (۴) / ۱۰۳) است. (نک: معرفت، تفسیر و مفسّران، ج ۱، ص ۱۶۲ و ۱۶۶) شافعی نیز می‌گوید: **«جَمِيعُ السُّنَّةِ شَرْحٌ لِلْقُرْآنِ»** (سیوطی، اتقان، ج ۲۸، ص ۴) *همهٔ سنّت، شرح و تفسیر قرآن است.*

کاربرد واژهٔ تفسیر در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز گویای این است که دامنهٔ تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام بسی گسترده است و روایات فقهی و جز آن را نیز در بر می‌گیرد. از شواهد این مدّعا نمونه‌های زیر قابل ذکر است:

۱.«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللهَ أَمَرَكُمْ فِي كِتَابِهِ بِالصَّلَاةِ وَ قَدْ بَيَّنْتُهَا لَكُمْ وَ سَنَنْتُهَا وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ فَبَيَّنْتُهَا وَ فَسَّرْتُهَا لَكُمْ...» (صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۷۷؛ نعمانی، ص ۷۱؛ طبرسی، احمد، ج ۱، ص ۱۴۸؛ ابن‌طاوس، **التحصین**، ص ۶۳۴) *ای مردم خدا در کتاب خود، شما را به نماز دستور داد و من آن را برایتان بیان کردم و به عنوان سنّت واجب ساختم و به زکات و روزه و حجّ امر کرد و من آنها را برایتان بیان و تفسیر کردم.*

۲.در صحیحهٔ ابوبصیر آمده است که امام صادق علیه‌السلام در پاسخ سؤال او که مردم می‌گویند چرا نام علی علیه‌السلام و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام در قرآن نیامده‌است؟ فرمود: «قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللهِ ۹ نزلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يُسَمِّ اللهُ لَهُمْ ثَلَاثاً وَ لَا أَرْبَعاً حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللهِ ۹ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِك لَهُمْ وَ نزلَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَمْ يُسَمِّ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَماً دِرْهَمٌ حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللهِ ۹ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نزلَ الْحَجُّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أُسْبُوعاً حَتَّى كَانَ رَسُولُ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

اللهِ ۹ هُوَ الَّذِی فَسَّرَ ذَلِکَ لَهُمْ وَ نزلَتْ أَطِیعُوا اللهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ وَ نزلَتْ فِی عَلِیٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ۹ فِی عَلِیٍّ مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ...»(کلینی، ج ۱، ص ۲۸۶ـ۲۸۸)

نماز بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد، ولی از تعداد رکعتهای آن و سه یا چهار رکعت بودن آن در قرآن یاد نشده است، تا اینکه پیامبر خدا ﷺ آن را برای مردم تفسیر کرد. و حکم زکات بر وی نازل شد، ولی اینکه از چهل درهم، درهمی زکات است، نام برده نشده است، تا اینکه پیامبر خدا ﷺ آن را برای مردم تفسیر کرد. و حکم حجّ نازل شد، ولی به مردم نگفت هفت بار طواف کنید، تا اینکه پیامبر خدا ﷺ آن را برای مردم تفسیر کرد و جزئیات آن را بیان فرمود. و آیهٔ «از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امر از خودتان اطاعت کنید» نازل شد و در مورد علی ؑ و حسن و حسین ؑ نازل شد و در پی آن پیامبر خدا ﷺ در بارهٔ علی ؑ فرمود: «هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست...

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این حدیث شریف امام صادق ؑ آنچه را پیامبر اکرم ﷺ در ارتباط با تبیین نماز و زکات و حجّ و ولایت انجام داده‌اند، از جمله بیان تعداد رکعتهای نماز، نصاب زکات و چند دور طواف کعبه در حجّ را تفسیر خوانده و فرموده است: «**هُوَ الَّذِی فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ**». مسلّم است که کار پیامبر ﷺ در ارتباط با امور یادشده، بیان معنی لفظ صلات و زکات و حجّ نبود، بلکه بیان جزئیات احکام مربوط به آنها و حتّی نشان دادن چگونگی انجام این تکالیف در عمل هم بود، چنان‌که فرمود: «**صَلُّوا کَمَا رَأَیْتُمُونِی أُصَلِّی.**»(مجلسی، بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹) نماز بگزارید همان طور که مرا می‌بینید نماز می‌گزارم. نیز فرمود: «**خُذوا عنّی مناسِکَکُم.**»(ابن ابی‌جمهور، ج ۱، ص ۲۱۵؛ حلیّ، نهج‌الحقّ، ص ۴۷۲) آداب و مناسک حجّ را از من فراگیرید. و در بارهٔ ولایت ضمن معرّفی مکرّر امام علی ؑ به عنوان وصیّ و جانشین خود و بیان فضائل و شئون والای ایشان که در منابع تاریخی و حدیثی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

شیعه و سنّی مضبوط است،(نک: طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۱؛ طبری، محب‌الدین، ج ۱، ص ۱۳۴) در واقعهٔ غدیر، به دستور خدای متعال امام علی‌علیه‌السلام را بـه ولایت مـنصوب فرمود. امام صادق‌علیه‌السلام همهٔ این کارها را با عنوان «تفسیر ولایت» یاد کرده‌است.

۳. وقتی زراره از امام‌باقرعلیه‌السلام می‌خواهد که چگونگی استنباط احکام وضو را به او بگوید، امام‌علیه‌السلام ضمن پاسخ مستدلّ قرآنی به زراره، یاد آوری می‌کند کـه «**فَسَّرَ ذَلِك رَسُولُ اللهِ۹ لِلنَّاسِ فَضَيَّعُوه.**»(کـلینی، ج ۳، ص ۳۰) کـه ایـن شـاهد دیگـری بـرای اشتمال تفسیر بر بیان جزئیّات احکام است.

در مورد بازتاب تفسیر اهل بیت‌علیهم‌السلام در منابع و تفاسیر اهل سنّت، باید گفت که دانشمندان و مفسّران سنّی از ذکر روایات و تفسیر ائمهٔ اهل بیت‌علیهم‌السلام در کتابهای خود اجتناب نکرده‌اند؛ چنان‌که به عنوان مثال، با جستجوی رایانه‌ای عبارت: «**قال عليّ‌بن أبي طالب**»علیه‌السلام در ۶۶ تفسیر سنّی، ۴۲۳۳ نتیجه به دست آمد. امّا از جهت کیفیّت و نوع برخورد با این روایات باید گفت که بسته به میزان انصاف و آزاد بودن عالم سنّی از تعصّبات مذهبی، وضعیّت متفاوت است.

برخی از عالمان اهل سنّت با ملاحظهٔ بی‌انصافی در حقّ اهل بیت‌علیهم‌السلام در جامعهٔ روزگار خود، آستین همّت بالا زده و به تألیف کتاب و گردآوری آیات و روایات در خصوص اهل بیت‌علیهم‌السلام اقدام کرده‌اند که این کتابها در حقیقت تفسیر آیات ولایت محسوب می‌شود.

امّا در آثار آنها که در امتداد سیاست خلفا در منع نشر تفسیر اهل بیت‌علیهم‌السلام (نک: ذهـبی، مـحمد، تـذکرةالحفّاظ، ج ۱، ص ۹؛ ابـن‌عبدالبـر، جامع بیان العلم، ص ۷۷؛ ابـن سـعد، الطبقات‌الکبری، ج ۵، ص ۱۴۴ـ۱۴۳) و در راستای سیاست اعراض از اهـل بـیت‌علیهم‌السلام از تعصّب شدید آکنده بوده‌اند و تحت تأثیر تبلیغات اموی قرار گرفته‌اند، بخصوص صاحبان جوامع حدیث اهل سنّت، کمتر به احادیثی بر مـی‌خوریم کـه از امـامان اهل بیت‌علیهم‌السلام روایت کرده باشند.(نک: طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۲۷۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

برخی درکنار روایات موافق مذهب اهل سنّت، به نقل روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز پرداخته‌اند. گاه این افراد، تنها به همین سبب، از سوی متعصّبان اهل سنّت مورد طعن و تحقیر قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، محمد حسین ذهبی دربارهٔ ثعلبی صاحب تفسیر «الکشف و البیان» می‌گوید: «ثعلبی مردی کم بضاعت در حدیث است، او نمی‌تواند حدیث صحیح را از موضوع تشخیص دهد، وگرنه احادیث ساختگی شیعه دربارهٔ علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام را در تفسیر خود روایت نمی‌کرد» (ذهبی، ج۱،ص ۲۴۴) در جای دیگر می‌گوید: «**اغترّ بکثیر من الأحادیث الموضوعة علی السنّة الشیعة...**» (همو، ص ۲۴۳). یعنی: او نسبت به بسیاری از احادیث ساختگی بر زبان شیعه فریب خورده است. و به عکس دربارهٔ تفسیر ابن‌کثیر ـ که روش او خلاف افرادی مانند ثعلبی و حاوی بی‌انصافی بسیار است ـ می‌گوید: «این تفسیر از بهترین کتابهای تفسیر به مأثور است.» (همو، ص ۲۵۷)

در مجموع باید گفت که سه وضعیّت برای بازتاب تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام در منابع اهل سنّت قابل ذکر است که به اختصار در پی می‌آید و تفصیل آن به مقال و مجالی موسّع‌تر نیاز دارد:

۱.ذکر بی‌طرفانهٔ احادیث اهل بیت علیهم‌السلام

در این دسته از روایات، برخی حقایق در مورد جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و پاره‌ای از تفاسیر و احادیث منقول از ایشان در منابع سنّی ذکر شده است که بی‌تردید پاره‌ای از این روایات صحیح است. با این‌حال صرف‌نظر از سند، متن این روایات مشکلی ندارد. نمونه‌های این دسته از احادیث بیش از دو دسته‌ای است که در ادامه ذکر می‌شود.

گنجی شافعی روایت می‌کند که پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از سلمان پرسید: «**تَعْلَمُ مَنْ وَصِيُّ موسی؟**» *می‌دانی وصیّ موسی که بود؟* عرض کرد: «**نَعَمْ، یوشِعُ‌بْنُ نون**» *آری، یوشع‌بن نون*، فرمود: «**لِمَ؟**» *به چه دلیل؟* پاسخ داد: «**لِأَنَّهُ کانَ أَعْلَمَهُمْ یَوْمَئِذٍ.**» *زیرا او در آن زمان*،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

داناترین‌شان بود. سپس فرمود: «**فَإِنَّ وَصِيِّي وَ مَوضِعَ سِرِّي وَ خَيْرَ مَنْ أَتْرُكُ بَعْدِي يُنْجِزُ عِدَتِي وَ يَقْضِي دَيْنِي، عَلِيُّ‌بْنُ أَبِي‌طَالِبٍ**عليه‌السلام»(گنجی، کفایة‌الطالب، ص ۲۹۹) *به راستی وصیّ من و رازدار من و بهترین کسی که بعد از خود، به جا می‌گذارم، به عهد من وفا و دَیْنم را ادا می‌کند، علی‌بن ابی‌طالب*علیه‌السلام *است.*

سخاوی به طور مسند از زاذان نقل می‌کند که گوید: علی‌علیه‌السلام گفت: «**فِينَا فِي آلِ حم آيَةٌ لَا يَحْفَظُ مَوَدَّتَنَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ قَرَأَ: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»** (الشّوری (۴۲) / ۲۳) (سخاوی، ج ۱، ص ۳۲۹) در مورد ما اهل بیت‌علیهم‌السلام در سوره‌هایی که با حم شروع می‌شود، آیه‌ای است که جز مؤمنان کسی دوستی و مودّت ما را نگه نمی‌دارد، سپس این آیه را قرائت کرد: «*بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم جز مودّت نسبت به خویشاوندانم*

حاکم حسکانی با ذکر سند از ابن عبّاس از امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام در شأن نزول آیهٔ: ﴿**وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ**﴾ (الشّعراء (۲۶) / ۲۱۴) داستان دعوت خویشان را نقل کرده، از قول پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله آورده است که خطاب به خویشان خود فرمود: «...**إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَدْ أَمَرَنِيَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَدْعُوَكُمْ إِلَيْهِ فَأَيُّكُمْ يُؤْمِنُ بِي وَ يُؤَازِرُنِي عَلَى أَمْرِي فَيَكُونَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ؟**»(حاکم‌حسکانی، ۴۸۶/۱) *من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام و خدا مرا امر کرده است که شما را به سوی او دعوت کنم، اینک کدام یک از شما به من ایمان می‌آورد و مرا در امر رسالتم یاری می‌کند تا برادر من و وصی من و وزیر من و خلیفهٔ من در میان شما باشد؟* البته حسکانی حدیث را مختصر کرده و ادامهٔ آن را نیاورده است.

طبری در پی آیهٔ: ﴿**فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً**﴾ (النّساء:۲۴) آورده است: «**قَالَ الْحَكَمُ: قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: «لَوْلَا أَنَّ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نَهَى عَنِ الْمُتْعَةِ ما زَنَى إِلَّا شَقِيٌّ.**»(طبری، جامع‌البیان، ج ۵، ص ۹) علی‌علیه‌السلام گفت: اگر عمر از متعه نهی نمی‌کرد، جز فرد بدبخت کسی زنا نمی‌کرد. برخی حدیث امام علی‌علیه‌السلام را از قول ابن عبّاس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

نقل کرده‌اند.(قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۰)

ابن‌العربی در شأن نزول آیهٔ: ﴿**أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لَا يَسْتَوُونَ**﴾ (السجدة (۳۲) / ۱۸) آورده است: «روایت شده است که این آیه در شأن علیّ‌بن أبی طالب مؤمن، و عقبةبن ابی‌معیط کافر، نازل شده است، عقبه با علی علیه‌السلام مفاخره کرد و گفت: «**أنا أبسطُ منك لساناً، و أحدّ سناناً، و أملأ في الكتيبةِ منك حشواً.**» *من زبانم از تو گویاتر، نیزه‌ام از تو تیزتر و افرادم از تو بیشتر است. علیّ علیه‌السلام گفت: «چنین نیست که تو می‌گویی ای فاسق!»* (ابن‌العربی، ج ۳، ص ۱۵۰۱؛ برای دانستن نمونه‌های بیشتر نک: ابن‌عطیّة، ج ۱، ص ۳۶؛ همو، ج ۵، ص ۴۶۰)

نمونهٔ دیگر حدیث ثقلین است که با اختلاف اندکی در تعابیر در بسیاری از منابع اهل سنّت نقل شده است. (نک: دارمی، ج ۲، ص ۵۲۴؛ احمد، مسند، ج ۳، ص ۱۴؛ سخاوی، ص ۳۳۶)

از این‌گونه روایات تفسیری از امیرالمؤمنین علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام در تفاسیر سنّی نمونه‌های زیر به اختصار ذکر می‌شود:

استنباط اقلّ مدّت حمل از قرآن (قرطبی، ج ۱، ص ۲۰۲)، قضای دین قبل از وصیّت (همان، ص ۳۴۳)، اجرای حد بر مِلک یمین (همان، ص ۴۰۵)، چگونگی قصاص چشم در برابر چشم (همو، ج ۲، ص ۶۲۸)، تفسیر آیهٔ: ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً**﴾ (التحریم (۶۶) / ۶) (همو، ج ۴، ص ۱۸۵۱)، شرط قطع دست دزد در آیهٔ (المائدة (۵) / ۳۸)(جصّاص، ج ۴، ص ۸۳)، مصادیق سُحت در آیهٔ: ﴿**أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ**﴾ (المائدة (۵) / ۴۲) (همان، ص ۸۴)

نیز از امام حسن مجتبی علیه‌السلام: تفسیر «**وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً**» در آیهٔ (الشوری (۴۲) / ۲۳) (سخاوی، ج ۱، ص ۳۳۱)

از این‌گونه روایات تفسیری از ابوجعفر امام محمدبن علی باقر علیه‌السلام در تفاسیر سنّی نمونه‌های زیر به اختصار ذکر می‌شود:

باقی بودن عموم آیهٔ: ﴿**وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً**﴾ (البقرة (۲) / ۸۳) بر ظاهرش و عدم نیاز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

به تخصیص. (ابوحیان، ج ۱، ص ۴۶۲)، دربارهٔ وسیلهٔ قتل هابیل توسّط برادرش. (ابن‌کثیر، تفسیر، ج ۳، ص ۱۸۰)، در باب صلوات بر پیامبرﷺ (همان، ج ۶، ص ۴۱۵)، تفسیر: «**ظالِمٌ لِنَفْسِه**»(فاطر (۳۵) / ۳۲) (همان، ج ۶، ص ۴۸۷)، دربارهٔ خواستگاری از بیوه زن در آیهٔ: (البقرة (۲) / ۲۳۵) (مظهری، ج ۳۳۰، ص ۱)، تفسیر «**مَنافِعَ لَهُمْ**» (الحجّ (۲۲) / ۲۸)، به عفو و مغفرت (همان، ج ۶، ص ۲۷۶)، موارد مصرف خمس (طنطاوی، ج ۶، ص ۱۰۴)، وجوب مسح دوپا در وضو، با تصریح به اینکه این نظر امامیّه است. (نیشابوری، ج ۲، ص ۵۵۷)، تفسیر آیهٔ الفرقان (۲۵) / ۶۳ (سیوطی، الدرّالمنثور، ج ۷۵، ص ۷۶)

از این‌گونه روایات تفسیری از امام صادقؑ در تفاسیر سنّی، نمونه‌های زیر ذکر می‌شود:

در موضوع دعا در آیهٔ (آل‌عمران (۳) / ۱۹۵) (سمرقندی، ج ۱، ص ۲۷۵)، وصیّت رسول‌خداﷺ به امام علیؑ دربارهٔ جمع قرآن. (دروزة، ج ۱، ص ۸۰)، تفسیر (التوبة(۹) / ۱۲۸) دربارهٔ شخصیت پیامبراکرمﷺ (مظهری، ج ۴، ص ۳۲۸)، شأن نزول سورهٔ دهر (سورآبادی، ج ۴، ص ۲۷۳۶)، حکمت تحریم ربا (قرطبی، ج ۳، ص ۳۵۹؛ ثعالبی، ج ۱، ص ۵۳۵)، تفسیر حروف مقطّعه (سورآبادی، ج ۲، ص ۱۴۶۰)، چند لایه بودن آیات قرآن (حقّی برسوی، ج ۵، ص ۲۰۱)، تأویل آیهٔ: ﴿**و إذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِين**﴾ (الشّعراء (۲۶) / ۸۰)، وجه تقدیم ظالم در آیهٔ: ﴿**فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِه**﴾ (فاطر(۳۵) / ۳۲) (قرطبی، ج ۱۴، ص ۳۴۹)، تفسیر آیهٔ (الحدید (۵۷) / ۲۳) (قرطبی، ج ۱۸، ص ۲۵۹)، وجه نامگذاری جنّ و انس به ثقلان در (الرّحمن (۵۵) / ۳۱) (ثعالبی، ج ۷۵ ص ۳۵۲)، اسماء الله در سوره‌های قرآن (سیوطی، الدرّالمنثور، ج ۳، ص ۱۴۸)، تفسیر عرفانی آیاتی از سوره‌های مختلف قرآن (سلَمی، ص ۲۲ـ۶۳)

۲.تحریف، تأویل، و تضعیف حدیث اهل بیتؑ

عالمان و مفسّران سنّی گاه روایات صحیحی را از اهل بیتؑ در کتابها و تفاسیر خود آورده‌اند، ولی به تحریف و تأویل آنها پرداخته‌اند یا با اظهار نظر سست

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

وگاه مغالطه در تضعیف یا ردّ آنها کوشیده‌اند. در اینجا پاره‌ای موارد ذکر می‌شود.

طبری در جامع‌البیان و ابن‌کثیر در تفسیر خود با ذکر سند از ابن عبّاس از امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام در شأن نزول آیهٔ: ﴿**وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ**﴾ (الشّعراء (۲۶) / ۲۱۴) داستان دعوت خویشان را (که صورت صحیح آن در دستهٔ نخست از حاکم حسکانی ذکر شد) نقل کرده‌اند، ولی کلمات کلیدی سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (**وَصِيِّي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ**) را حذف کرده و به صورت مبهم گفته‌اند: فرمود: «**...فَأَيُّكُمْ يُؤَازِرُنِي عَلَى هذَا الأَمْرِ فَيَكُونَ أَخِي وَ كَذا وَ كَذا؟**» ...**فَقُلْتُ أَنَا يَا نَبِيَّ اللهِ أَكُونُ وَزِيرَكَ عَلَيهِ، فَأَخَذَ بِرَقَبَتِي ثُمَّ قَالَ «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ كَذا وَ كَذا، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا...**» (طبری، جامع‌البیان، ج ۱۹، ص ۷۵؛ ابن‌کثیر، تفسیر، ج ۱۵۳، ص ۶)

شگفت اینکه طبری در کتاب تاریخ خود این حدیث را بدون تحریف نقل کرده‌است. (طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۰)

امام علی علیه‌السلام فرموده است: «**فَرَضَ اللهُ...الْإِمَامَةَ نِظَاماً لِلْأُمَّةِ وَ الطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ** : خدا امامت را برای نظم و آرامش مردم و پیروی از امام را برای بزرگ شمردن مقام امامت واجب کرده است.» (آمدی، ص ۱۷۷) این ضبط در نهج‌البلاغهٔ شرح فیض‌الإسلام (ج ۶، ص ۱۱۹۷، ح ۲۴۴) نیز آمده است. امّا در شرح (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۵۱، ح ۲۴۹)[1] به «**الْأَمَانَةَ نِظَاماً لِلْأُمَّةِ**» تحریف شده است. از آنجا که ابن‌ابی‌الحدید شرح این عبارت را بر اساس «امامت» نوشته است،(همان، ص ۵۴) معلوم می‌شود که این تحریف در متن پس از او و ناشیانه صورت گرفته است.[2] شاهد درستی این ضبط، عبارت بعدی است که فرمود: «**وَ الطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ.**»

امام‌علی علیه‌السلام می‌فرماید:

۱. چاپ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق

۲. احتمال دیگر این است که در هنگام چاپ کتاب ابن ابی الحدید، از متن نهج‌البلاغه‌های چاپ شده، مانند چاپ عبده استفاده شده باشد.(ویراستار)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِراً مَشْهُوراً وَ إِمَّا خَائِفاً مَغْمُوراً لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّنَاتُه» (سیدرضی، ص ۴۹۷)

آری! خداوندا زمین هیچ‌گاه از حجّت الاهی خالی نیست، یا پدیدار و شناخته است و یا ترسان و پنهان از دیده‌هاست، تا حجّت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح آن گوید: «**کیلا یخلو الزمان ممن هو مهیمن لله تعالی علی عباده و مسیطر علیهم** : تا زمین از کسی که برای خدا بر بندگانش احاطه و اشراف دارد، هیچ‌گاه خالی نباشد.» (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۸، ص ۳۵۱) و می‌افزاید: «**و هَذا یکادُ یکونُ تصریحاً بمذهبِ الإمامیةِ** : و این سخن تقریباً تصریح به حقّانیّت مذهب امامیه است.»

آن‌گاه چنان‌که شیوهٔ برخی دیگر از عالمان سنّی است، به تحریف معنای حدیث علوی پرداخته می‌گوید: «**إلّا أن أصحابنا یحملونه علی أن المراد به الأبدال...**» جز این‌که اصحاب ما آن را بر این حمل می‌کنند که مراد وی از این سخن ابدال هستند، آنان که در اخبار نبوی در بارهٔ آنان سخن رفته است که آنان در زمین گردش می‌کنند، برخی شناخته شده و برخی ناشناس هستند و از دنیا نمی‌روند تا رازی را که همان عرفان است، نزد گروه دیگری که جانشین ایشانند، به ودیعه گذارند. این در حالی است که امام علی علیه‌السلام در ادامهٔ سخن می‌فرماید: «**أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ**: آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند.» (سیدرضی، ص ۴۹۸)

مؤلّف احکام القرآن از مفسّران سنّی در مراد از ﴿**مَنْ عِنْدَه عِلْمُ الْكِتابِ**﴾ (الرّعد (۱۳) / ۴۳) چهار قول ذکر کرده‌است که قول سوم آن امام علیّ‌بن أبی طالب علیه‌السلام است. (ابن‌العربی، ج ۳، ص ۱۱۱۳) او در مورد این قول می‌گوید: «کسانی ائمهٔ اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان که گفته‌اند مراد علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است، بر دو وجه آیه را تأویل کرده‌اند:

۱. معتقدند که او عالم‌ترین مؤمنان است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

۲.به دلیل گفتهٔ پیامبرﷺ: «**أنا مدینةُ العِلْمِ و علیٌّ بابُها.**» *من شهر علمم و علی در آن است.*

این مفسّر سنّی سپس بدون ذکر دلیل هر دو وجه را ردّ کرده است. او در مورد وجه اوّل گفته‌است: «**وَ لیسَ کذلکَ، بَلْ ابوبکرٍ وَ عمرُ وَ عثمانُ أَعْلمُ منْه**» *چنین نیست، بلکه ابوبکر و عمر و عثمان از او عالم‌ترند!*

و در مورد وجه دوم گوید: «**و هو حدیثٌ باطلٌ، النبیُّ صلَّی اللّهُ علیهِ وآله وسلَّم مدینةُ علمٍ و أبوابُها أصحابُه...**» (همو، ص ۱۱۱۴) *این حدیث باطلی است، پیامبرﷺ شهر علم است و درهای آن اصحاب او هستند.*[۱]

هیثمی روایت سلمان از پیامبرﷺ رانقل کرده است که فرمود: « **فَإِنَّ وَصیِّي... عَليُّبْنُ ابي‌طالب**علیه‌السلام» (گنجي، کفایةالطالب، ص ۲۹۹)، امّا از قول طبرانی افزوده است: «**وَقالَ وَصیّی: أَنَّهُ أَوْصاهُ بِأَهْلِهِ لَا بِالْخَلافَةِ**» *این‌که فرمود: «وصیّی بدین معناست که او را نسبت به خانواده‌اش وصیّت کرد، نه به خلافت و جانشینی»* (هیثمی، مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۱۴۷)[۲]

ابن‌کثیر در پی حدیث ابوجعفر امام باقرعلیه‌السلام: «**نَحْنُ أهلُ الذِّکْرِ**» در آیهٔ (النحل (۱۶) / ۴۳) گوید: «**مراده: أن هذه الأمة أهل‌الذکر صحیح، فإن هذه الأمة أعلم من جمیع الأمم السابقة.**» (ابن‌کثیر، ج ۴، ص ۴۹۲) *مراد وی این است که این امّت، اهل ذکر هستند و این صحیح است، زیرا این امّت از همهٔ امّت‌های پیشین داناترند.*

جصّاص گوید: شیعه گمان می‌کند که مراد از گفتهٔ خدای متعال: ﴿**وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ**﴾ (النّساء (۴) / ۵۹) علی‌بن ابی‌طالب ـ(رضی‌الله عنه)ـ است و این تأویل فاسدی است؛ زیرا «**أولی‌الأمر**» یک جماعت (گروه چند نفری است) در حالی که علی‌بن

۱. برای دانستن سستی گفتهٔ این مفسّر سنّی به کتاب «فتح الملک العلی بصحّة حدیث باب مدینة العلم علیّ» از عالم سنّی محمّدبن محمّد غماری رجوع شود.

۲. علامه سیّد مرتضی عسکری، با تحلیل متن خود حدیث، نقد عالمانه‌ای را بر تأویل طبرانی نسبت به حدیث شریف نبوی نگاشته است. (نک: عسکری، معالم المدرستین، ۴۰۳/۱ـ۴۰۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

أبی طالب علیه‌السلام یک نفر است.(جصّاص، ج ۳، ص ۱۷۸)

در جواب جصّاص باید گفت که شیعه گمان نمی‌کند، بلکه یقین دارد، و اولواالأمر دوازده نفرند که پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث جابر آنان را تک‌تک نام برده است.(طبرسی، فضل، إعلام‌الوری، ص ۳۹۷)

همو از مجاهد و سدی و ابوجعفر باقر علیه‌السلام و عتبةبن ابی حکیم روایت کرده است که آیه: ﴿**إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ**﴾ (المائدة (۵)/ ۵۵) در شأن علی‌بن أبی طالب علیه‌السلام نازل شده است آن‌گاه که انگشتر خود را در حال رکوع صدقه داد.

در ادامه با همان استدلال به ردّ این حقیقت پرداخته است: «**...هذه الآية صفة جميع المسلمين لأنَّ قولَهُ تعالى: (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ) صفة للجماعة و ليست للواحد.**» (جصّاص، ج ۴، ص ۱۰۲) *این آیه صفت همهٔ مسلمانان است زیرا گفتهٔ خدای متعال: «آنان که ایمان آورده‌اند، همان ایمان آورندگانی که اقامه نماز و ادای زکات می‌کنند در حالی که در رکوع نمازند» صفت جماعت است و برای یک نفر نیست. بدین ترتیب، روایات صحیحِ منقول از فریقین در شأن نزول این آیه را به‌طورکلی نادیده گرفته است.*

درتفسیر آیهٔ: ﴿**قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى**﴾ ﴿الشوری، (۴۲)، ص ۲۳﴾ *بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به خویشان؛* در کنار ذکر چند وجه، این تفسیر را ترجیح داده‌اند: «**أَيْ إِلّا أَنْ تَعْمَلوا بِالطَّاعَةِ الَّتی تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَ اللّهِ زُلْفی**» *یعنی مزدی از شما نمی‌خواهم جز این‌که به اطاعتی که شما را به خدا نزدیک می‌کند، عمل کنید.* (ابن‌کثیر، ج ۷، ص ۱۸۳)

ابن تیمیة به ابن‌عبّاس نسبت داده که گوید: «**ليس معناها مودة ذوی القربی...**» (ابن‌تیمیّة، منهاج السنّة، ج ۷، ص ۱۰۰) *معنای آن مودّت خویشان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست...مراد این است که مزاحم او نشوند تا رسالت پروردگارش را ابلاغ کند.*(همان)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

ابن‌کثیر در پی آیهٔ: ﴿**اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً**﴾ (المائدة (۵) / ۱۲) به طور مسند از عبدالله‌بن مسعود نقل کرده که گوید: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردیم که این امّت چند خلیفه خواهد داشت؟ فرمود: «**اثْنَا عَشَرَ كَعِدَّةِ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيل**» *دوازده نفر به تعداد نقیبان بنی اسرائیل*. آنگاه می‌افزاید: «اصل این حدیث از حدیث جابربن سمره در صحیحین ثابت است، آن‌جا که گوید: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می‌گفت: «**لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ ماضياً ما وليهُم اثْنَا عَشَرَ رَجُلاً**» همواره *امر این امّت... تا این‌که دوازده مرد ولایت آنان را به عهده بگیرند*. سپس پیامبر کلمه‌ای گفت که بر من پوشیده ماند، پرسیدم «پیامبر چه گفت؟ گفتند: گفت: «**كلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ**» همهٔ *آنان از قریش* هستند.(ابن کثیر، تفسیر، ج ۳، ص ۵۹)

سپس می‌گوید: «معنی این حدیث بشارت به وجود ۱۲ خلیفهٔ صالح است که حقّ را برپا می‌دارند و در میان امّت عدل را اجرا می‌کنند. و می‌افزاید: لازمهٔ این حدیث پی درپی بودن و پیوستگی روزگار این ۱۲ خلیفه نیست، آنگاه چهار خلیفهٔ اوّل را از آنان شمرده سپس به پایان قرن اوّل، عمربن عبدالعزیز رسیده وگوید برخی از بنی عبّاس نیز از آنان هستند.» (همان)

شگفت این‌که وی اقرار می‌کند: «ظاهر این است که مهدی موعود و مورد بشارت در روایات، جزو آنان است که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله است و زمین را از عدل پر می‌کند، پس از آن‌که از ستم پر شده باشد.» (همان)

بااین‌حال بدون ذکر دلیل، به شیوهٔ استادش ابن تیمیّه می‌گوید: «**ليس هذا بالمنتظر الذى تتوهم الرافضة وجوده ثم ظهوره...**» (همان) *این آن منتظَری نیست که شیعه به وجود و ظهور او گمان دارد*.

یکی از شیوه‌های اهل سنّت در تضعیف این دسته از روایات، تعرض به سند آنهاست، با اتهامهایی مانند: **شيعيٌ ساقطٌ** (سخاوی، ج ۱، ص ۳۲۲) **كوفيٌ شيعيٌ خبيثٌ**. (بکجری، ج ۱،ص ۱۳۴) وگاه تعابیری مانند: «**إمامٌ فى الحديث رافضيٌ خبيث**»(سندی، ج ۱،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

ص ۸۹) و «**رجلٌ صالحٌ إلّا أنَّهُ شیعیٌ**» (سیوطی و دیگران، شرح سنن ابن‌ماجه،ج ۱، ص ۸) (**شیعیٌّ مؤمنٌ بِالرَّجعةِ إلَی الدُّنیا**» (ابن‌حجر عسقلانی، فتح‌الباری، ج ۱،ص ۲۹۸) و حکم به موضوع بودن برخی از آنها، بدون ذکر دلیل.(نک: صمّی، پانوشتهای استجلاب ارتقاءالغرف،تمام کتاب)

سپس پیامبر کلمه‌ای گفت که بر من پوشیده ماند، پرسیدم «پیامبر چه گفت؟ [گفتند:] گفت: «**کلُّهُمْ مِنْ قُرَیْشٍ**» همهٔ *آنان از قریش هستند*. (ابن کثیر، تفسیر، ج ۳،ص ۵۹)

۳.جعل حدیث در برابر احادیث ولایی

عدّه‌ای از اهل سنّت، پا را از گروه پیشین فراتر گذاشته و به جعل حدیث دست زده‌اند. برخی از این روایات تفسیری منسوب به پیامبراکرمﷺ و ائمهٔ اهل بیت‌علیهم‌السلام، اعم از اسباب نزول، احکام و... به طور عمده برای مقابله با احادیثی ساخته شده است که تفسیر صحیح آیات مربوط به ولایت و عصمت و امامت اهل بیت‌علیهم‌السلام است. نمونه‌هایی از این اخبار ذکر می‌شود:

۱.در پی آیهٔ (النّساء (۴)/ ۴۳) در حکم ورود جنب به مسجد، آورده‌اند: عمرو بن میمون از ابن‌عبّاس نقل می‌کند که گوید رسول‌خداﷺ فرمود:«**سُدُّوا الْأَبْوابَ إلّا بابَ عَلِیٍّ**» (قرطبی،۲۰۸/۵) ولی برخی از اهل سنّت این حدیث صحیح را این‌گونه تحریف کرده‌اند:«**سُدُّوا الْأَبْوابَ إلّا بابَ أبی بَکْرٍ**» و افزوده‌اند:«**النبیّ صلی اللّه علیه [وآله] وسلم قال: «إنَّ مِنْ أمنّ النّاسِ عَلَیَّ فی صُحْبَتِه و مالِه أبو بَکْرٍ وَ لَوْ کُنْتُ مُتَّخِذاً خَلیلاً غَیْرَ رَبّی لَاتَّخَذْتُ أبا بَکْرٍ... لَا یَبْقَینَّ فِي الْمَسْجِدِ بابٌ إلّا سُدَّ، إلّا بابَ أَبی بکرٍ**»(قاسمی، ج ۴۸، ص ۱؛ همان، ج ۳، ص ۱۱۷) *پیامبرﷺ فرمود:«از امین‌ترین مردم بر من در مصاحبت و مال خود، ابوبکر است و اگر من جز پروردگارم دوستی را بر می‌گرفتم، ابوبکر را انتخاب می‌کردم...جز در خانهٔ ابوبکر، همهٔ درهایی که به مسجد گشوده است، بسته شود.*

۲.ابن‌العربی گوید:...عطاءبن سائب، از ابوعبدالرحمن سُلّمی روایت می‌کند که [معاذالله] علیّ‌بن ابی‌طالب‌علیه‌السلام گفت: «**صَنَعَ لَنا عبدُالرحمن بنُ عوف طعاماً، فَدَعانا وَ سَقانا مِنَ الْخَمرِ، فَأَخَذَتِ الخمرُ مِنّا، وَ حَضَرتِ الصلاةُ، فقدَّمونی فقرأتُ: «قُلْ یا أَیُّهَا**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

الْكافِرُون، لَا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ، وَ نَحْنُ نَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ.» قال: فأنزلَ اللّهُ تَعالى: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُكارى...» و می‌افزاید: «هذا حديث صحيح من رواية العدل عن العدل.» (ابن‌العربی، ج ۱، ص ۴۳۲ـ۴۳۳)

ابن‌کثیر این حدیث را این‌گونه نقل کرده است: **حدّثنا عطاءُبن السائبِ، عن عبدالرحمن‌بن حبيب و هو أبوعبدالرحمن السلمی: أنَّ عبدَالرحمنِ بنِ عوف صَنَعَ طعاماً و شراباً، فَدَعا نَفَراً مِنْ أصحابِ النَّبی صلّی اللّه علیه [وآله] وسلّم فصلّی بِهِم الْمَغربَ، فقرأ: «قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُون، لَا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ، وَ أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ، وَ أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ، لَكُمْ دينُكُمْ وَ لِيَ دينِ، فأنزل اللّه عز و جل هذه الآية «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُكارى حَتَّى تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ»** (ابن کثیر، تفسیر،ج ۲، ص ۲۷۳) *عطاءبن سائب ما را حدیث کرد از عبدالرحمن‌بن حبیب که همان ابوعبدالرحمن سلّمی است، که عبدالرحمن‌بن عوف طعام و شرابی فراهم ساخت و چند تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت کرد، سپس به امامت نماز مغرب ایستاد و سورهٔ کافرون را غلط خواند. در پی آن خدای متعال این آیه را نازل کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید...»*

چنان که ملاحظه می شود، عبدالرحمن‌بن عوف خود امامت نماز مغرب را به عهده می‌گیرد و اسمی از امام علی علیه السلام در آن نیست، بدین ترتیب افزودن نام ایشان در خبر و نقل آن از زبان ایشان از دسیسه‌های دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. تردید نیست که وقتی نتوانسته‌اند سابقهٔ برخی صحابه را در شرب خمر پاک کنند،(نک: ابن‌حجر عسقلانی، **الإصابة**، ج ۷، ص ۳۹ـ۴۰؛ همو، فتح‌الباری، ج ۱۰، ص ۳۷؛ ابن‌العربی، ج ۱،ص ۱۵۳ـ۱۴۹؛ همان، ج ۲، ص ۶۵۶؛ جصّاص، ج ۲، ص ۴؛ واحدی،۷۳؛ بیضاوی، ج ۱، ص ۱۳۸) با جعل یک حدیث، امام علی علیه السلام را به پندار خود با آنان یکسان جلوه داده‌اند. البته این نمونه را از زاویه‌ای دیگر می توان از مصادیق تحریف به شمار آورد.

۳.ابن عساکر ...از هیثم‌بن عدی نقل می‌کند که گوید:«**سمعت جعفربن محمّد عن أبيه**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

فی هذه الآیة: «تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا» قال: «فجاءَ بِابی بَکْرٍ وَ وُلْدِهِ! وَ بِعُمَرَ وَ وُلْدِهِ! و بِعُثْمان و وُلْدِهِ! و بِعَلِیٍّ و وُلْدِهِ» (ابن‌عساکر، علی، تاریخ‌مدینةدمشق، ج ۳۹، ص ۱۷۳؛ سیوطی، الدرّالمنثور،ج ۲، ص ۴۰؛ دروزه، ج ۷، ص ۱۵۹) *از جعفربن محمّد شنیدم که پدرش در مورد این آیه:«بیایید فرا بخوانیم پسرانمان ...را» گفت: «پس [پیامبرﷺ] ابوبکر و فرزندانش و عمر و فرزندانش و عثمان و فرزندانش و علی و فرزندانش را آورد.»* ساختگی بودن این خبر نیاز به ذکر دلیل ندارد.

۴.در بارهٔ آیهٔ: ﴿**إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا...**﴾ (المائدة (۵) / ۵۵) گفته‌اند: **قال ابوجعفر محمّدبن علی الباقر رضی اللّه عنهما: «نَزَلَتْ فی الْمُؤْمنینَ» فقیل له: «إِنَّ ناساً یَقولونَ انَّها نَزَلَتْ فی علی‌بن ابی‌طالب رض» فقالَ: «هُوَ مِنَ الْمُؤْمنینَ» و افزوده‌اند: روی عن عکرمة انها نزلت فی ابی‌بکر رض.**(مظهری،ج ۳، ص ۱۳۳) *ابوجعفر محمّدبن علی باقرؑ گفت: «در باره ی مؤمنان نازل شده است، به او گفته شد: «برخی می گویند که آن در بارهٔ علی‌بن ابی‌طالبؑ نازل شده است. گفت: «او از مؤمنان است.»*

در ذیل آیهٔ ﴿**وَ کانُوا شِیَعاً**﴾ (الأنعام(۶) / ۱۵۹) آورده‌اند: از امام علیؑ که گفت: رسول‌خداﷺ فرمود:«**یَکونُ فی أُمَّتی قَوْمٌ یُسَمُّونَ الرّافِضةُ یَرْفُضونَ الْإِسلامَ**»(احمد، مسند، ج ۱،ص ۱۰۳) نیز به امام علیؑ نسبت داده‌اند که از قول پیامبرﷺ گفت:«**سَیَأتی بَعْدی قَوْمٌ لَهُمْ نَبْزٌ یُقالُ لَهُم الرّافضةُ فإن أدرکتَهُم فَاقْتُلْهُم فإنَّهُمْ مُشْرِکونَ**» (مظهری، ج ۳، ص ۳۱۷؛ طبرانی، ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ هیثمی، مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۷۴۸) *بعد از من گروهی می‌آیند که لقبی دارند، به آنها رافضه می‌گویند، اگر آنان را درک کردی، آنان را بکش که ایشان مشرکند!* از این‌گونه

روایات به امام جعفر صادقؑ نیز نسبت داده‌اند.(سورآبادی،ج ۴، ص ۲۳۷۶)

منابع

۱. ابن ابی‌جمهور، احسائی. **عوالی اللآلی**. قم: انتشارات سیّد الشهداءؑ، ۱۴۰۵ ق

۲. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید. **شرح نهج البلاغة**. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

۱۴۰۴ ق

۳. ابن تیمیة حرانی، تقی الدین ابو العباس احمدبن عبد الحلیم. **منهاج السّنة النبویّة**. تحقیق: محمّد رشّاد سالم. قاهره: مؤسسة قرطبة، ۱۴۰۶ق.

۴. ابن‌حجر عسقلانی، ابوالفضل احمدبن علی‌بن محمّد. **فتح الباری**، تحقیق و تعلیقات: عبد العزیز بن عبدالله‌بن باز ومحب‌الدین خطیب، بیروت : دار الفکر.

۵. همو، **الإصابة**،۳۹/۷ـ۴۰.

۶. ابن‌حنبل، احمد. **مسند الإمام احمدبن حنبل**، حواشی: شعیب أرنؤوط، قاهره: مؤسسة قرطبة، بی‌تا.

۷. ابن سعد هاشمی بصری، محمّدبن سعدبن منیع. **الطبقات الکبری**. تحقیق محمّد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.

۸. ابن طاووس، سیّد علی‌بن موسی. **التحصین**. قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.

۹. ابن فارس، قزوینی، احمدبن فارس أبو الحسین. **مقاییس اللّغة**. محقق: عبدالسَّلام محمّد هَارُون اتحاد الکتاب العرب، ۱۴۲۳ ق

۱۰. ابن‌عبدالبر قرطبی، ابوعمر یوسف‌بن عبدالله. **جامع بیان‌العلم وفضله**. بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۲۱ق

۱۱. ابن عساکر، ابوالقاسم علی‌بن الحسن‌بن هبةالله. **تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الاماثل أو اجتاز بنواحیها من وارديها و أهلها**. بررسی و تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ، ۱۴۱۷ ق

۱۲. ابن العربی، محمّدبن عبدالله‌بن ابوبکر. **احکام القرآن**. بی جا، بی تا

۱۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق‌بن غالب. **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**. تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمّد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق

۱۴. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل‌بن عمر. **تفسیر القرآن**. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ ق

۱۵. ابوحیان اندلسی، محمّدبن یوسف. **البحر المحیط فی التفسیر**. تحقیق: صدقی محمّد جمیل،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق

۱۶. ازهری، أبو منصور محمّدبن احمد. **تهذیب اللغة**. تحقیق: محمّدعوض مرعب، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق

۱۷. بابایی، علی اکبر و دیگران. **روش‌شناسی تفسیر قرآن**. بیروت: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، ۱۴۲۱ ق

۱۸. بکجری، مصری، مغلطای‌بن قلیج‌بن عبد الله. **شرح سنن ابن ماجه ـ الإعلام بسنته علیه السّلام**. محقق:کامل عویضة، ناشر: مکتبة نزار مصطفی الباز ـ المملکة العربیة السعودیة، ۱۴۱۹ق

۱۹. بیضاوی، عبدالله‌بن عمر. **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**. تحقیق: محمّد عبد الرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق

۲۰. ثعالبی عبدالرحمن‌بن محمّد. **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. تحقیق: شیخ محمّدعلی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق

۲۱. جصاص احمدبن علی. **احکام القرآن(جصاص)**. تحقیق: محمّد صادق قمحاوی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق

۲۲. جوهری، إسماعیل‌بن حماد **الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربیة)**. بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۱ ق

۲۳. حاکم حسکانی. **شواهد التنزیل**. مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ق

۲۴. حقی بروسوی، اسماعیل. **تفسیر روح البیان**. بیروت: دارالفکر، بی تا

۲۵. حلی، حسن‌بن یوسف. **نهج‌الحقّ و کشف‌الصدق**. قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۷ ق

نیز: بیروت، دار الکتاب اللبنانی، چاپ اول، سال ۱۹۸۲م

۲۶. دارمی، عبدالله‌بن عبدالرحمن أبو محمّد. **سنن الدارمی**. تحقیق : فواز احمد زمرلی و خالد سبع علمی. بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷

۲۷. دروزة، محمّد عزت. **التفسیر الحدیث**. قاهره: دار إحیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ ق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

۲۸. ذهبی، شمس الدین محمّدبن احمد. **تذکرة الحفاظ**. بررسی وتحقیق: زکریا عمیرات. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق

۲۹. ذهبی، محمّد حسین. **التفسر و المفسّرون**. بیروت: دارالیوسف، ۱۴۲۱ق

۳۰. راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین‌بن محمّد. **مفردات غریب القرآن**. موقع مکتبة المسجد النبوی الشریف، بی تا

۳۱.زبیدی، حسینی، محمّدبن محمّدبن عبد الرزّاق. **تاج العروس من جواهر القاموس**. تحقیق گروهی از محقّقان. دار الهدایة، بی تا بی جا،

۳۲. زرکشی، بدر الدین محمّدبن عبدالله‌بن بهادر. **البرهان فی علوم القرآن**. محقق: محمّد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار المعرفة، بی تا

۳۳. سخاوی، شمس‌الدین محمّدبن عبدالرحمن. **استجلاب إرتقاء الغرف بحبّ أقرباء الرّسول و ذوی الشّرف**. تحقیق و بررسی و پانوشت‌ها: خالدبن احمد صُمّی بابطین. مکّه مکرمه: دارالبشائر الإسلامیة، بی تا.

۳۴. سلّمی، محمّدبن حسین. **حقائق التفسیر**. تحقیق: نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۴۱۱ ق

۳۵. سمرقندی، ابواللیث نصربن محمّد. **بحرالعلوم**. تحقیق: محمود مطرجی. بیروت: دارالفکر، بی‌تا

۳۶. سندی،

۳۷. سور آبادی ابوبکر عتیق‌بن محمّد. **تفسیر سور آبادی**. تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۴۲۲ ق

۳۸. سیّد رضی، محمّدبن حسین. **نهج‌البلاغه**. قم: دار الهجره، بی تا

۳۹. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن‌بن أبی بکر. **الدرّالمنثور فی تفسیر المأثور**.قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق

۴۰. ـــــــ. **الإتقان فی علوم القرآن**. تحقیق: محمّد أبو الفضل إبراهیم. : الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۳۹۴ق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

۴۱. ـــــــ و عبدالغنی، فخر الحسن دهلوی. **شرح سنن ابن‌ماجه**. : کتب‌خانه قدیمی، کراچی، بی‌تا
۴۲. صدوق، محمّدبن علی. **عیون أخبارالرضا**علیه‌السلام. انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق
۴۳. همو. **کمال الدین و تمام النعمة**. قم: دارالکتب‌الإسلامیة، ۱۳۹۵ ق
۴۴. طباطبایی، سیّد محمّدحسین. **قرآن دراسلام**. مصحّح: محمّدباقر بهبودی، قم: دار الکتب الاسلامیة
۴۵. طبرانی، سلیمان‌بن احمد. **المعجم الکبیر**. تحقیق: حمدی‌بن عبدالمجید سلفی، مکتبة العلوم والحکم، موصل، ۱۴۰۴ ق
۴۶. طبرسی، ابو منصور احمدبن علی. **الإحتجاج**. مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۴۷. طبرسی، فضل‌بن حسن. **إعلام الوری بأعلام الهدی**. تهران: دارالکتب‌الإسلامیة، بی تا
۴۸. طبری، ابوجعفر، محمّدبن جریر. **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق
۴۹. ـــــــــ. **تاریخ الأمم و الملوک** (تاریخ الطبری)، تحقیق محمّد أبوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق
۵۰. طبری، محب‌الدین، ابوجعفر احمدبن عبدالله. **الریاض النضرة فی مناقب العشرة**، .... (مصطفوی، ۸۷/۹)
۵۱. طنطاوی، سیّد محمّد. **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**. بی‌جا بی‌تا
۵۲. عسکری، سیدمرتضی، معالم المدرستین. **المجمع العلمی الإسلامی**. چاپ ششم، ۱۴۱۶ق
۵۳. فیض‌الإسلام، سیّد علی‌نقی. **ترجمه و شرح نهج‌البلاغه**. مرکز نشر آثار فیض‌الإسلام، تهران، بی‌تا
۵۴. قاسمی، محمّد جمال‌الدین. **محاسن التاویل**. تحقیق: محمّد باسل عیون السود. بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۱۸ ق
۵۵. قرطبی، محمّدبن احمد. **الجامع لأحکام القرآن**. تهران: ناصر خسرو، ۱۴۰۶ ق
۵۶. کلینی، محمّدبن یعقوب، الکافی. **دار الکتب الإسلامیة**. تهران: ۱۴۰۷ ق
۵۷. گنجی شافعی، محمّدبن یوسف. **کفایة الطالب فی مناقب علی‌بن ابی‌طالب**علیه‌السلام. تصحیح، تحقیق و تعلیق: محمّد هادی امینی، تهران: داراحیاء تراث اهل بیت ۱۴۰۴ق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]

۵۸. مجلسی، محمّدباقربن محمّدتقی. **بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق

۵۹. مظهری محمّد ثناءالله. **التفسیر المظهری**. تحقیق: غلام نبی تونسی. پاکستان: مکتبة رشدیه، ۱۴۱۲ق

۶۰. نعمانی، محمّدبن ابراهیم. **الغیبة**. تهران: مکتبةالصدوق، ۱۳۹۷ ق

۶۱. نیشابوری، نظام‌الدین حسن‌بن محمّد. **تفسیر غرائب‌القرآن و رغائب‌الفرقان**. تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق

۶۲. واحدی علی‌بن احمد. **اسباب نزول القرآن (واحدی)**. تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب‌العلمیة، ۱۴۱۱ ق

۶۳. هیثمی، نورالدّین علی‌بن أبی‌بکر. **مجمع‌الزوائد و منبع‌الفوائد**. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ ق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.5.6]